

می گویند از تخصص های گوناگون احمد شاملو یکی هم این است که می تواند هر مجله‌ی تعطیلی را دایر و هر مجله‌ی دایری را تعطیل کند. این کار را شاملو به کمک معجون خاصی انجام می دهد که ترکیبات آن در هر دو مورد کم و بیش یکی است و غالباً به قرار زیر است: «عروسی خون» قدریکو گارسیا لورکا، یک نوبت، نطق جایزه‌ی نوبل آلبرکامو یا «افسانه‌ی سزیف» یک نوبت، شعر تی اس الیوت، سه نوبت، شعر ارزا پاوند، هشتاد نوبت، هیچ مجله‌ای تا کنون نتوانسته است در برابر این معجون مقاومت کند، به این معنی که اگر تعطیل بوده فوراً دایر و اگر دایر بوده فوراً تعطیل شده است.

برای نویسنده‌ی این سطور روشن نیست که در سال ۱۳۴۷ شاملو سرگرم دایر کردن مجله‌ی «خوشه» بود یا تعطیل کردن آن. آنچه مسلم است شاملو در مجله «خوشه» کار می کرده و لذا باید به یکی از این دو کار سرگرم بوده باشد. از آنجا که اکنون مدتهاست که مجله‌ی «خوشه» در محاق تعطیل به سر می برد، می توان تصور کرد که در سال مورد بحث شاملو در حقیقت مشغول تعطیل کردن مجله بوده است، از طرف دیگر چون قبل از سال مورد بحث هم باز «خوشه» مدتی در محاق تعطیل به سر می برد، به آسانی می توان نتیجه گرفت که شاملو در آن موقع مشغول دایر کردن مجله بوده است. این ظاهراً از آن موارد نادری است که دیالکتیک هگل راست در می آید و جمع اضداد واقع می شود. به عبارت ساده تر، می توان گفت که شاملو در آن واحد مشغول دایر کردن و تعطیل کردن مجله «خوشه» بوده است

.... انتشار کتاب حاضر فرصت مساعدی است برای همه کسانی که احياناً همیشه منتظر بوده‌اند نویسنده‌ی این سطور خود را در وضع نامساعدی قرار دهد، زیرا که در این کتاب مترجم نه تنها اصل امانت در ترجمه را زیر پا گذاشته، بلکه در حقیقت می توان گفت که به هیچ اصلی پابند نمانده است. در کتاب حاضر، چنانکه اشاره شد، قطعات فراوانی از متن اصلی ساقط شده، سهل است، در قطعات ترجمه شده نیز جملات و عبارات فراوانی از قلم افتاده و به جای آنها، یا حتی در جاهای نامربوط دیگر، جملات و عبارات جعلی فراوانی گنجانیده شده است که به علت جعلی بودن در متن اصلی به هیچ وجه دیده نمی شوند. هم چنین در ضبط فارسی اعلام تاریخی و جغرافیایی هیچ قاعده‌ی معینی جز سلیقه‌ی شخصی رعایت نشده، و معادل لاتینی اعلام نیز در پای صفحات نیامده، در عوض فضای گرانبهای پای صفحات به توضیحات غیر لازم اختصاص یافته که غرض از آنها نه تنها برای خوانندگان بلکه برای خود مترجم نیز روشن نیست

برگرفته از مقدمه مترجم بر «چنین کنند بزرگان»، نوشته ویل کاپی، ترجمه‌ی نجف دریابندری.